



روز پیروزی جهاد مردم افغانستان!؟

رستم پیمان

دانشجوی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل

همه ساله از 8 ثور سال 1371 خورشیدی بعنوان روز پیروز مجاهدین تجلیل میشود. ولی یک سیری سوالات از قبیل که در ذیل ذکر گردیده اند، شک در این روز به عنوان روز پیروزی مجاهدین می آورند که، آیا 8 ثور سال 1371 که روز سقوط حکومت داکتر نجیب است، روز پیروز مجاهدین است و یا روز 26 دلو سال 1368 که روز اخراج ارتش سرخ و شوروی توسط مجاهدین از افغانستان، روز پیروزی مجاهدین است که جواب این سوال را در لابلای جوابات سوالات فوق ارایه خواهیم کرد:

- مجاهدین کی بودند و کی هستند؟

- جهاد مردم افغانستان در کدام زمان آغاز و در کدام زمان پایان یافت؟

سوالات فوق تا هنوز جواب مشخص خویش را نداشته اند تا آنیکه فی سبیل الله به هدف دفاع از استقلال کشور در مقابل تجاوز ارتش سرخ شوروی و نجات ارزش های دینی از چنگال کمونیسم شوروی جهاد کردند و بعد از اخراج ارتش سرخ شوروی توسط مردم افغانستان، توپ و تفنگ را بر زمین گذاشته و به زندگی عادی خویش رو آوردند نه مانند آنیکه تا آخرین رمق حیات بت قدرت و ثروت را پرستیدند و حالا هم خالصانه میپرستند و پرستش معبود خویش را هم جهاد نامیدند و مینامند از آنیکه فقط برای اخذ قدرت سیاسی و امتیازات مادی با سواستفاده از احساسات دینی توده ها در کوه و کمر صاف مردان جنگی کشیده و تمام داشته های مادی و معنوی کشور را که از ده ها نسل قبل برای نسل امروز و فردا میراث باقی مانده بودند، به باد فنا دادند و حالا هم مالک میلیونها دالر سرمایه پولی و مالی اند، تمیز داده شوند و همچنان فی مابین جهاد برحق مردم افغانستان علیه ارتش متجاوز سرخ شوروی و جنگهای خانمان سوز که در اول فی مابین دولت نجیب و عاشقان قدرت و ثروت و بعداً هم فی مابین گروه های عاشق قدرت و ثروت که طاعونهای تاریخ اند، به وقوع پیوست، خط ممیزه سرخ کش شود تا حساب خاینین و جنایتکاران که از اعمال هیچ نوع خیانت در قبال کشور و جنایت در حق مردم افغانستان به هدف تحقق اهداف شخصی، گروهی و حامیان خارجی دریغ ننمودند و حالا لباس مقدس جهاد مردم افغانستان را بر شانه های خیانات و جنایات خویش انداخته اند از حساب مجاهدین واقعی جدا گردد و جنگهای میان گروهی گروه های قدرت طلب و ثروت اندوز خلع لباس جهاد شوند تا چهره منفور این خاینین و جنایتکاران برای بشر و تاریخ بشر هویدا گردند.

برای ارایه جواب برای سوالات فوق، تاریخ سیاسی حدوداً چهار دهه گروه های به اصطلاح نام نهاد اسلام گرا را به سه دوره تقسیم مینمایم و در پرتو این ادوار، به تفریق جهاد مردم افغانستان از جنگها قدرت طلبی و ثروت اندوزی و تفریق مجاهدین از عاشقان قدرت و ثروت میپردازیم.

(1) دوره ماقبل تجاوز ارتش سرخ شوروی در افغانستان:

2) دوره حضور ارتش متجاوز سرخ شوروی در افغانستان:
3) دوره مابعد اخراج ارتش متجاوز سرخ شوروی از افغانستان:

1) دوره ماقبل تهاجم ارتش سرخ شوروی در افغانستان: جهاد در دین اسلام بعنوان یکی از وجایب دینی فقط در مقابل تهاجم کفار بر دین و وطن مجاز بوده و اطلاق واژه جهاد به جنگهای درون گروهی گروههای نام نهاد اسلامی که به هدف قبضه نمودن قدرت و ثروت خون برادر خویش را در معبر معبد سرمایه و سیاست قربانی کردند و میکنند و یا جنگها و کودتا های اینچنین گروه های نام نهاد اسلامی در مقابل دول که ادعای پیروی از دین اسلام را داشته باشند و بصورت صریح منکر خدا، رسول، کتاب و امامان نباشند، کفران دینی میباشد. بنا تمام کودتا ها و جنگهای گروهی به اصطلاح نام نهاد اسلامی که امروز عاملان شان لباس مقدس جهاد را به هدف تبریه خویش از خیانات و جنایات شان در شانهای شان آویخته اند و کارنامه های سیاسی شان هم ثبوت محکم برای غیر اسلامی بونش شان میباشد، در مقابل دول که قبل از تهاجم ارتش سرخ شوروی در افغانستان حاکم بودند جهاد نبوده و نیست بلکه همه و همه جنگهای قدرت طلبی و ثروت اندوزی میباشد. ولی با این هم، اخوانیهایی که علیه دولت داود خان کودتا نمودند و الحمدالله که به مراد دل نرسیدند و کودتای شان در نطفه خنثی شده و بعضی شان توسط دولت دستگیر و به عقب میله های زندان روان شدند و بسای شان هم فرار را بر قرار ترجیح و در دامن دولت پاکستان پنا بردند، کودتا و جنگهای خویش قبل از تجاوز ارتش سرخ شوروی را جهاد مینامند که این خود در قدم اول توهین به اسلام و در قدم دوم توهین به جهاد به عنوان یک وجیبه دینی و در قدم سوم هم خیانت در حق آنانی است که فقط برای رضای خداوند، ادای وجیبه دینی و دفاع از وطن جهاد نمودند نه مانند جناب های عالی.

پناه بردن اخوانیهایی کودتاچی ناکام در خانه پاکستان که سالهای سال بافغانستان بدلیل معضلات پشتونستان روابط دشمنانه داشت و همیشه در تکاپوی وارد نمودن توپ سیاست در دروازه افغانستان دست در آب و آتش میزد تا کارت سبزی در معاملات سیاسی در مقابل افغانستان در دست داشته باشد، نعمت خدادادی بود که استراتژیستهای پاکستان سالهای سال برای ورود قدم نیک و میمونشان در مهمانخانه های خویش لحظه شماری میکردند و حتی حاضر بودند در راه شان دهها بلکه صدها میلیون دالر را بودجه نمایند اما اخوانیهایی کودتاچی ناکام صادقانه و رایگان خویش را در اختیار پاکستان گذاشته و استراتژیهای پاکستان را صادقانه تر از خود پاکستانیها و در بدل نان و آب شان، در افغانستان اعمال نمودند و دولت پاکستان هم با استفاده از این مهره های میان تهی و بیگانه شده، آخرین میخ تابوت افغانستان را کوبید و افغانستان را با تمام داشته های مادی و معنوی اش در قبرستان تاریخ به خاک سپرد که در اینجا سوال واقع میشود:

- آیا اخوانیهایی کودتاچی ناکام، آگاهانه و با آگاهی از مشکلات فی مابین افغانستان و پاکستان و استراتژی دشمنانه پاکستان در قبال افغانستان، عاملان پروپا قرص استراتژیهای پاکستان در افغانستان شدند و یا ناآگاهانه و بدون آگاهی از مشکلات فی مابین افغانستان و پاکستان و استراتژیهای دشمنانه پاکستان، به این استراتژیها جامعه عمل پوشاندند؟

- اگر اخوانیهایی کودتاچی ناکام، آگاهانه و با آگاهی از کشمکش های تاریخی افغانستان و پاکستان در مورد آزاد بودن و یا در قید پاکستان بودن پشتونهای

آن طرف سرحد و نیت دشمنانه پاکستان در قبال افغانستان، باز هم این استراتژیها را جامعه عمل پوشانند، خیانت در قبال افغانستان و جنایت در حق مردم افغانستان نموده اند و لی اگر جنابها، ناگاهانه و بدون آگاهی از نیت شوم پاکستان در قبال افغانستان، غافلانه عاملان استراتژیهای پاکستان در افغانستان شدند، هویت رهبریت شان که مدعی رهبری افغانستان و حتی جهان اند، زیر سوال میرود که، آیا آنانیکه به این پیمانها از تاریخ سیاسی کشور خویش بی اطلاع اند، شایسته رهبریت کشور خویش را دارند که بدون شک جواب منفی خواهد بود.

2) دوره حضور ارتش متجاوز سرخ شوروی در افغانستان : ارتش سرخ شوروی با نقض تمام اصول و قواعد بین المللی و زیر پا گذاشتن عرف همجواری، در ظاهر برای نجات رژیم کمونستی وقت از چنگال کاپیتالیسم و در باطن به هدف نزدیک شدن یک قدم دیگر به آبهای گرم بحر هند، در افغانستان تجاوز نموده ولی مردم استعمار شکن و امپراطور کش افغانستان با تمام نیرو و توان مادی و معنوی علیه این متجاوز ایستاده و به جهاد خویش آغاز نمودند.

مردم افغانستان از پیر و جوان، زن و مرد از هر گوشه و کنار کشور برای رهایی استقلال کشور از زیر سیطره ارتش سرخ شوروی و نجات ارزشهای دینی از چنگال کمونیزم شوروی با صرف نظر از کل اختلافات گذشته و زمان خویش دست در دست هم داده و یک صف نه بلکه صدها صف انسانی را در مقابل صفوف مدرنترین توپ، تفنگ و طیاره های عصر یکی از دو ابر قدرت آن زمان کشیده و آنچنان رزمیدند و رزمادند که مدرنترین توپ، تفنگ و طیاره عصر بعد از سالها مقاومت در مقابل ایده و آرمان برحق مردم افغانستان نه هوا و حوس اخوانیهای فراری که مهمان های معظم مهمانخانه های ارتش پاکستان و کاخهای رنگی کاپیتالیسم اروپا و آمریکا بودند، شکست را قبول نموده و سر تسلیمی را در بارگاه مالکان ایده و آرمان برحق فرود آوردند و توسط مردم افغانستان در 26 دلو سال 1368 خورشیدی از افغانستان اخراج گردیدند و این پیروزی مردم افغانستان و این شکست قهار عصر آنچنان تأثر در افکار عامه جهان گذاشت که سرمایه داران استعمار گر و شیوخ استعمار شده برای نجات خویش از شر مقدس این گونه نیروی استعمار شکن و امپراطور کش، توطیه چیده و تمام داشته های جهاد مردم افغانستان را با بر چسب زدن شر و فساد و تروریزم در پیشانی شان به باطله دانی تاریخ سپردند و بندگان خالص داشته های مادی تمدن امروز که منکران دوآتشه ایده و آرمان اند، انگشت را زیر دندان گرفته و به کش خویش شک آوردند.

اما آنچنان که تاریخ شهادت میدهد، مردم افغانستان هیچگاه حاصل قهرمانیهای خویش را نچشیده بلکه یک تعداد اشخاص دین ستیز و وطن فروش تمام حاصلات فداکاریها و قهرمانیهای مردم افغانستان را فدای منافع شخصی، گروهی و حامیان خارجی شان نموده اند که بدبختانه، جهاد مردم افغانستان در مقابل ارتش متجاوز سرخ شوروی هم از این قاعده تاریخی استثنا نبوده و زمانیکه مردم افغانستان یکبار دیگر نیروی استعمار شکن و امپراطور کش خویش را در مقابل تهاجم ارتش سرخ برای دید مجدد در جهان، به نمایش گذاشتند، عاشقان قدرت و ثروت که در کودتاهای جنگ طالبی و ثروت اندوزی شان در مقابل دول ماقبل تجاوز ارتش سرخ در افغانستان ناکام باقی مانده بودند، لباس جهاد مردم افغانستان را بر شانه های هواحوس خویش انداخته و رهبریت جهاد مردم افغانستان را در دست گرفتند در

حالی که جنابهای قدرت طلب و ثروت خواه نه به جهاد عقیده داشتند و نه هم حاضر بودند که لحظه ای در مورد استقلال کشور سر را در یخن انداخته و فکری کنند. عاشقان قدرت و ثروت که خویش را در لباس دین و اهداف شخصی، گروهی و حامیان خارجی شانرا در لباس اهداف جهاد مردم افغانستان پیچانده بودند و گویا رهبریت جهاد را بر دوش میکشیدند، با قدرت و ثروت که در زمان جهاد از حاصل خون شهدا بدست آورده بودند، بسنده نکرده بلکه جنگهای قدرت طلبی و ثروت اندوزی شانرا با وجود ختم جهاد مردم افغانستان و اخراج ارتش سرخ توسط مجاهدین، در اول در مقابل دولت نجیب و بعداً فی مابین هم ادامه داده الی اینکه بر همه قهرمانیها و فداکاریهای مردم افغانستان در مقابل متجاوزین در اوار مختلف تاریخ اصلاً قهرمانیها و فداکاریها مردم افغانستان در مقابل ارتش سرخ، خط سرخ بطلان کشیده و به این جنایت و خیانت شان هم جهاد اطلاق نمودند در حالی که جهاد مردم افغانستان از زمان تهاجم ارتش سرخ آغاز و در زمان اخراج این ارتش، پایان یافت.

3) دوره مابعد اخراج ارتش سرخ شوروی از افغانستان: مردم افغانستان بعد از سالها جهاد علیه ارتش سرخ این ارتش را شکست داده و در تاریخ 26 دلو سال 1368 از کشور خویش اخراج نمودند و جهاد خویش را که از زمان تهاجم این ارتش در افغانستان آغاز نموده بودند و با تمام قوت و قدرت سالهای سال ادامه دادند و با اخراج این ارتش از کشور شان نقطه پایان گذاشتند ولی با ختم جهاد مردم افغانستان بر علاوه که خون خوری و خون ریزی پایان نیافت و زمان برادری و برابری و جهاد اکبر که همانا بازسازی و نوسازی کشور که سالهای سال در آتش و بارود سوخته بود، باشد، آغاز نشد بلکه جنگهای خانمان سوز تحت پرچمهای قومی، سمتی، مذهبی و لسانی آغاز گردید.

بیشتر از نصف مهاجرین میلوینی افغان در زمان جنگهای داخلی خانمان سوز مجبور به ترک وطن و پناهنده شدن به ملک های بیگانه گردیدند. اکثریت به کل داشته های مادی و معنوی کشور که از ده ها نسل برای نسل آنروز و امروز و فردا میراث مانده بود، در همین زمان از ریشه نیست و نابود گردیدند. صدها هزار بلکه بیشتر از یک و نیم میلیون بیوه، یتیم و شهید در طول و عرض همین جنگها به سرنوشت بیوگی، بی پدری و شهادت گرفتار گردیدند ولی عاملان این جنایات و خیانات با افتخار این جنایات و خیانات خویش را لباس جهاد پوشانده و جهاد اطلاق نمودند که این بزرگتری خیانت و جنایت در حق مردم افغانستان است که با سالها جهاد و دادن صدها هزار کشته، زخمی، بیوه و یتیم و صدها میلیارد دالر خساره مادی، بدست آورده بودند اما جنابهای عالی همه و همه را قمار زدند، قماری که باخت آن از ازل هویدا بود.

بنأ: جهاد مردم افغانستان از زمان تهاجم ارتش شوروی در افغانستان آغاز و در زمان اخراج این ارتش پایان یافت و تمام جنگ و جدل های ماقبل و مابعد حضور این متجاوز در افغانستان که امروز توسط عاملان آن جهاد اطلاق میگرددند، جهاد نبوده و نیست بلکه همه و همه جنایت و خیانت اند که در حق مردم افغانستان اعمال گردیدند ولو که عاملان این جنایات و این خیانات ده ها قرن جنایت و خیانت شانرا به حیث جهاد بر کرده های مردم افغانستان تحمیل نمایند. روزی تاریخ پرده جهاد را از روی این جنایات و خیانات خواهد برداشت و تن منفور این جنایات و خیانات هویدا خواهد گردید و تا ارزشهای جهاد مردم افغانستان که امروز تحت تأثیر نتایج غیر

قابل جبران این جنایات و خیانات قرار گرفته اند و همه جهاد مردم افغانستان را به معنی این جنایات و این خیانات و این جنایت و این خیانت را به معنی جهاد مردم افغانستان معنی مینمایند، به معنی واقعی اش معرفی گردد و از این سوءتفاهم های توده ها و برجسپ زندهای دشمنان دین و وطن تیریه گردند و مجاهدین هم آنانی اند که فقط جهاد کردند و بس.

پس! بنده به عنوان یک جوان مسلمان که شدیداً به جهاد آبا و اجداد خویش اخصاً جهاد مردم افغانستان در مقابل ارتش سرخ فخر میکنم و به همان پیمانیه هم از جنایات و خیانات جنایتکاران و خائنین متنفرام، اعتقاد دارم که روز 26 دلو سال 1368 یعنی روز پیروزی جهاد مردم افغانستان و اخراج متجاوز، روز پیروزی مجاهدین است نه روز 8 ثور سال 1371 که روز سقوط دولت داکتر نجیب است چون جهاد مردم افغانستان به هدف اخراج ارتش متجاوز سرخ شوروی از افغانستان بوده که در 26 دلو سال 1368 اخراج گردید نه برادر کشی که بعد از اخراج ارتش سرخ آغاز و الی امروز ادامه داد.

www.andishaha.blogfa.com